فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول: کلیات	۷
مبحث اول: آزادی اقتصادی	۷
بند اول: تعاریف	۷
بند دوم: شاخص‌های آزادی اقتصادی در بنیاد هریتیج	۱۱
بند سوم: شاخص‌های بنیاد فریزر (TEF)	۱۵
بند چهارم: تفاوت شاخص‌های دو مؤسسه	۱۸
مبحث دوم: علل اختلاف فتاوای فقها	۲۳
مبحث سوم: فتوای کارآمد	۲۷
فصل دوم: بررسی چارچوب‌های اقتصادی در فقه	۳۰
مبحث اول: آزادی اقتصادی براساس قوانین و مقررات	۳۰
بند اول: نفی عسروحرج	۳۱
بند دوم: حق تحجیر	۴۱
بند سوم: اصالت صحت در معاملات	۴۵
بند چهارم: قاعدهٔ ید (دراختیارداشتن نشانهٔ مالکیت ظاهری)	۵۱
بند پنجم: توزیع ثمن در برابر شرط	۵۴
بند ششم: شرایط متعاملان	۶۶
بند هفتم: وقف	۷۴
بند هشتم: بیع موقوفات	۸۵
بند نهم: بازاریابی چندسطحی	۹۰
بند دهم: استصناع	۹۶
بند یازدهم: بیع اضطراری	۱۰۶

عنوان	صفحه
بند دوازدهم: بیع غرری	۱۱۰
بند سیزدهم: بیع فضولی	۱۱۴
مبحث دوم: آزادی اقتصادی براساس دولت محدود	۱۱۷
بند اول: حیازت	۱۱۸
بند دوم: زکات	۱۲۱
بند سوم: خمس	۱۲۶
مبحث سوم: آزادی اقتصادی براساس کارایی مقررات	۱۳۲
بند اول: قاعدهٔ لاضرر	۱۳۳
بند دوم: سلطنت بر اموال	۱۳۷
بند سوم: شروط (شروط ضمن عقد)	۱۴۲
بند چهارم: صلح	۱۴۹
بند پنجم: عرف ممضاة	۱۵۵
بند ششم: ماهیت پول	۱۵۹
بند هفتم: ارث‌بری همسر (زوجه) از زمین (عقار)	۱۷۲
بند هشتم: قضاوت زن	۱۷۵
مبحث چهارم: آزادی اقتصادی براساس بازار آزاد	۱۷۷
بند اول: استحصالِ معرَض‌عنه (بهره‌برداری از مال رهاشده)	۱۷۸
بند دوم: احیای زمین و مالکیت آن	۱۸۵
بند سوم: حرمت اکل مال به باطل	۱۹۰
بند چهارم: بازار مسلمانان	۱۹۶
بند پنجم: قاعدهٔ نفی سبیل	۲۰۱
بند ششم: وقف پول	۲۰۷
بند هفتم: ربای معاملی	۲۱۰
بند هشتم: ربای صلحی	۲۲۰
بند نهم: ربای قرضی	۲۲۲
بند دهم: کسب‌های حرام	۲۲۶
دستاورد پژوهش	۲۸۹
۱. ارائهٔ چارچوبی فقهی برای آزادی اقتصادی	۲۹۰
۲. تحلیل تطبیقی فتاوای فقها در مسائل اقتصادی	۲۹۰

عنوان	صفحه
۳. تلفیق فقه سنتی با نیازهای اقتصادی معاصر	۲۹۰
۴. ارائهٔ الگویی برای سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر فقه	۲۹۰
۵. تلاش به‌منظور ایجاد مسیر درست برای قانون‌گذاری و طراحی نظام‌های مالی و اقتصادی	۲۹۱
اصطلاح‌نامه	**۳۰۳**
منابع	**۳۲۲**

مقدمه

براساس آموزه‌های دینی در فقه امامیه برای ابعاد مختلف زندگی، در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، برنامه‌هایی پیش‌بینی شده است؛ اما باوجود منابع غنی و حیاتی، به‌سبب کم‌کاری پژوهشگران دینی، هنوز بخش‌ها و ابعاد مختلفی از آموزه‌های اقتصادی اسلام نادیده مانده است. تلاش برخی پژوهشگران دینی، مانند شهید صدر، به گفتمان تبدیل نشد و درعمل، هنوز نتوانسته‌ایم به مطالبهٔ عمومی و به‌حق مردم مبنی‌بر ارائهٔ مکتب یا نظام اقتصادی اسلام پاسخی مناسب بدهیم و تا اجرایی‌کردن آن در حوزه‌های سیاستی راه بسیار است. ازاین‌رو، شایسته است پژوهشگران اسلامی بیش از گذشته به مباحث اقتصادی اسلام اهمیت دهند و با تولید محتوای علمی درخور عرضه، به این نیاز پاسخی مناسب دهند.

یکی از مباحث مهم در دانش اقتصاد، که تأثیر بسزایی در طراحی و اجرایی‌کردن نظام اقتصادی و در نتیجهٔ آن سیاست‌های اقتصادی دارد، تعیین چارچوب فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های خصوصی و دولتی است که در دانش اقتصاد از آن با عنوان آزادی اقتصادی یاد می‌شود. اهمیت این مسئله به‌اندازه‌ای است که شهید صدر نیز ابعاد این بحث را در کتاب *اقتصادنا*، با عنوان چارچوب مالکیت دولتی، مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی در مکاتب گوناگون اقتصاد سرمایه‌داری، سوسیالیستی و اسلامی بیان و مقایسه کرده است. باتوجه‌به اهمیت و کاربرد این موضوع در اقتصاد، سیاست‌گذاری و حوزهٔ قانون‌گذاریِ مبتنی بر شریعت اسلامی ضرورت دارد چارچوب‌های فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های خصوصی، دولتی و عمومی براساس آموزه‌های اسلامی بررسی شود. برای تبیین ضرورت تألیف این کتاب، لازم است چند مقدمه بیان شود:

مقدمهٔ نخست: فقهای بزرگ امامیه تأکید دارند که در فقه اسلامی نباید از تأثیر عنصر زمان و مکان و نیز حکم اولیه و حکم ثانویه غفلت شود؛ زیرا بی‌توجهی به این موارد، سبب دوری جامعه از فقه ناب و اصیل جواهری می‌شود.[1] این ویژگی علمی و ظرفیت مهمی که

---

۱. ر.ک.: مبحث سوم از فصل اول همین کتاب.

شارع مقدس در دین قرار داده است، به معنای بی‌برنامگی دین اسلام نیست، بیانگر قابلیت انعطاف آن، متناسب با شرایط زمان و مکان، است.

مقدمهٔ دوم: مسئولان جمهوری اسلامی ایران، طبق وظیفه‌ای که در قانون اساسی برایشان تعریف شده است، موظف‌اند از یک سو سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری‌های موردنیاز جامعه را به گونه‌ای انجام دهند که نفع عمومی حفظ شود و از سوی دیگر، راهکارها نباید برخلاف احکام اولیه یا ثانویهٔ اسلام باشد. ازاین‌رو، دسترسی آسان به احکام شرعی برای حوزهٔ قانون‌گذاری و بخش‌هایی که وظیفهٔ تطبیق راهبردها و سیاست‌های اقتصادی با شریعت مقدس را دارند، ضروری است. همچنین، پژوهشگران برای تحلیل و بررسی نظریه‌های اقتصادی به این دسترسی نیازمندند. این امر امکان بهره‌مندی از نظر کارشناسان خبره و معتمد نظام اسلامی ـ ازجمله اعضای کمیسیون‌های تخصصی اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی و وزارت‌خانه‌های اقتصادی دولت ـ را فراهم می‌کند و زمینه را برای تأمین نیازهای جامعه در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری مهیا می‌سازد. لازم است براساس روش شهید صدر، فتاوای مختلف فقهای امامیه در اختیار این عده باشد تا بتوانند براساس اقتضای شرایط اجتماعی و سیاسی، بهترین سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری را در چارچوب فقه امامیه به جامعه ارائه کنند.

مقدمهٔ سوم: یکی از مباحث مهم در دانش اقتصاد، که تأثیر بسزایی در طراحی و اجرایی‌کردن نظام اقتصادی و درنتیجهٔ آن سیاست‌های اقتصادی دارد، تعیین چارچوب فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های خصوصی و دولتی است. در دانش اقتصاد از این چارچوب با عنوان «آزادی اقتصادی» یاد می‌شود. اهمیت این مسئله به‌اندازه‌ای است که شهید صدر نیز ابعاد آن را در کتاب *اقتصادنا*، با عنوان چارچوب مالکیت دولتی و مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی در مکاتب مختلف اقتصاد سرمایه‌داری، سوسیالیستی و اسلامی بیان و مقایسه کرده است. این کتاب، با پیروی از روش شهید صدر در *اقتصادنا*، به دنبال تعیین محدوده‌ها و چارچوب‌های فقهی برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری است تا دست‌اندرکاران از آن تخطی نکنند.

مقدمهٔ چهارم: بنیاد هریتیج[1] از مهم‌ترین بنیادهایی است که شاخص‌های مناسبی برای اندازه‌گیری آزادی اقتصادی ارائه کرده است و در بازه‌های زمانی یک‌ساله،

1. The Heritage Foundation

کشورهای جهان را براساس این شاخص‌ها ارزیابی و رتبه‌بندی می‌کند. این بنیاد دربارهٔ خوب یا بد بودن وضعیت کشورها قضاوتی نمی‌کند. در واقع، این شاخص معیار مناسبی برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران اقتصادی است تا میزان موفقیت اقتصاد جهان یا کشور خود را با آن بسنجند.

براساس این چهار مقدمه، نویسندگان در این پژوهش، فتاوای فقها در مباحث اقتصاد، تجارت و حوزه‌های مالی را بررسی و کندوکاو می‌کنند تا مشخص شود باتوجه‌به فتاوای فقهای امامیه، که در طول ۱۴ قرن صادر شده است، فقه شیعه در هر موضوع اقتصادی در کدام‌یک از دو سر طیف، یعنی آزادی حداکثری یا آزادی حداقلی، قرار می‌گیرد. هدف این است که سیاست‌گذاران اقتصاد اسلامی با تکیه بر این فتاوا و براساس شرایط موجود جامعه ـ و به تعبیر امام خمینی (ره) عنصر زمان و مکان[1] ـ بتوانند کارآمدترین سیاست‌های اقتصادی را تنظیم و طراحی کنند. قرار نیست شاخص‌های بنیاد هریتیج در فقه امامیه یا نگرش به این فقه تغییری ایجاد کند؛ بلکه این شاخص‌ها فقط برای دسترسی راحت‌تر و طبقه‌بندی منطقی مباحث فقهی به کار رفته‌اند. بدین‌ترتیب، مباحث کتاب براساس چهار شاخص اصلی این بنیاد تنظیم شده است: آزادی اقتصادی در حوزه‌های قوانین و مقررات، دولت محدود، کارایی مقررات و آزادی اقتصادی در چارچوب بازار آزاد. باوجوداین، نویسندگان فقط به این مورد بسنده نکرده‌اند و در بخش «ثمرهٔ اقوال در آزادی اقتصاد» نشان داده‌اند که عمل به فتوای کدام‌یک از فقها آزادی اقتصادی بیشتری را به دنبال دارد و در مقابل، عمل مطابق کدام فتوا به آزادی اقتصادی محدودتری می‌انجامد.

باید توجه داشت که آزادی اقتصاد به‌هیچ‌وجه ارزش محسوب نمی‌شود، همان‌گونه که محدودیت آن مزیت به شمار نمی‌رود؛ آنچه اهمیت دارد، کارآمدبودن و مؤثربودن سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر شریعت است. همان‌گونه که بسیاری از علاقه‌مندان مکاتب اقتصادی آگاه‌اند، در ابتدای شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری، برخی گمان می‌کردند آزادی مطلق نوعی ارزش است و حتی در مباحث اقتصادی بر این باور بودند که هرکس با هر میزان توانایی مجاز است منابع طبیعی ـ مانند جنگل‌ها و معادن ـ را تصرف کند و مالک شود. اما پس از تجربه سالیان متمادی، دریافتند آزادی حداکثری ناکارآمد است و در ادامهٔ مسیر برای شیوه‌های تملک یا تصرف در اموال، قیدها و شرایطی را مطرح کردند. همچنین، هنگام شکل‌گیری نظام سوسیالیستی، رهبران و نظریه‌پردازان آن به هیچ نوعی از آزادی‌های اقتصادی،

۱. خمینی (امام)، *صحیفهٔ نور*، ج ۲۱، ص ۱۷۷.

حتی مالکیت‌های فردی جزئی، اعتقادی نداشتند؛ اما پس از سال‌ها تجربه دریافتند این مبنا اشتباه است و ناگزیر شدند آن را اصلاح کنند.

بنابراین، نویسندگان در این کتاب به‌هیچ‌روی در پی ارزش‌گذاری دربارهٔ آزادسازی یا محدودکردن اقتصاد نیستند. هدف آن‌ها نشان‌دادن این موضوع است که اگر نظام اسلامی، با درنظرداشتن عنصر زمان و مکان، به این نتیجه برسد که اجرای آزادی اقتصادی بیشتر برای جامعه مفید است، مجاز است براساس روش شهید صدر، نظام سیاست‌گذاری اقتصادی و قوانین لازم برای پشتیبانی از این سیاست را برپایهٔ کدام دسته از فتاوای فقها تنظیم کند. به‌این‌ترتیب، هم بازار و جامعه می‌توانند مناسب‌ترین محدودهٔ آزادی را در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشند و هم تمامی فعالیت‌ها در چارچوب شریعت تعریف می‌شود. در چنین حالتی، بخش عمدهٔ اقتصاد به مردم واگذار می‌شود و دولت نقش حمایت، حراست و نظارت را خواهد داشت. همچنین، اگر نظام اسلامی به این نتیجه برسد که نفع جامعه در اجرای سیاست‌هایی است که آزادی اقتصادی را محدود می‌کند، براساس چه فتاوایی می‌توان قانون‌گذاری کرد؟ در واقع، در این کتاب، فتاوای مختلف فقهای امامیه[1] در مسائل عبادی، عقود، ایقاعات و قواعد فقهی[2] مطرح شده است تا نشان داده شود که دست قانون‌گذار برای

---

۱. هدف نویسندگان جمع‌آوری حداکثری اقوال مختلف فقهی در مسئله‌ای واحد است؛ بنابراین، سعی می‌کنند کتاب اولین افرادی که هر نظریهٔ فقهی را مطرح کرده‌اند، خواه از قدما یا معاصران، به‌عنوان منبع ذکر کنند؛ پس نام بردن یا نبردن از فقها، به معنای تأیید یا رد نظرهای ایشان نیست. در واقع، ملاک ذکر همهٔ اقوال و نظرها در یک «فرع فقهی» است تا مسئولان برای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری بتوانند از فتاوایی که مناسب شرایط اجتماعی است بهره گیرند و سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری خلاف احکام شرعی نباشد.

۲. این مباحث، به‌سبب پرکاربردتر بودنشان در حوزهٔ اقتصاد، انتخاب شده‌اند: ۱) عبادات مالی: زکات و خمس؛ ۲) عقود و معاملات: شرایط معامله‌کنندگان، بیع موقوفات، استصناع، بیع اضطراری، بیع غرری، بیع فضولی، صلح، ربای معاملی، ربای صلحی، ربای قرضی، بازاریابی چندسطحی و کسب‌های حرام که عبارت‌اند از: خریدوفروش شراب، کمک به توزیع شراب، فروش انگور برای شراب، معاملهٔ خوک، معاملهٔ سگ، معاملهٔ حیوانات حرام‌گوشت، معاملهٔ مردار، معاملهٔ ادرار و مدفوع، معاملهٔ خون، معاملهٔ نجس‌العین، معاملهٔ کالای نجس شده، فروش اسلحه به غیرمسلمان، اجرت برای کمک به ستمگر، اجرت قضاوت، معاملهٔ قرآن، معاملهٔ کالای بی‌منفعت، معاملهٔ کتاب‌های گمراه‌کننده، دریافت اجرت برای انجام واجب، مجسمه‌سازی، ظرف طلا و نقره، شعبده و سحر، غنا، آلات لهو و قمار، بت و صلیب، غش، رشوه، نجش، هجو مؤمن، احتکار، تطفیف؛ ۳) ایقاعات: وقف، احیای زمین و مالکیت آن؛ ۴) قواعد فقه: عسروحرج، فروش حق اولویت تحجیر، اصالت صحت در معاملات، قاعدهٔ ید (دراختیارداشتن نشانهٔ مالکیت ظاهری)، توزیع ثمن در برابر شرط، حیازت، لا ضرر، سلطنت بر اموال، شروط، عرف ممضاة، استحصالِ معرَض‌عنه، أکل مال به باطل، بازار مسلمانان و نفی سبیل.

تعیین محدودهٔ آزادی اقتصادی متناسب با شرایط اقتصادی، براساس داده‌های فقه امامیه، تا چه میزان باز است و محدودیت‌های آن تا کجاست.

در واقع، نویسندگان مشاهده کردند که برای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، روش‌های مختلفی به کار گرفته شده است. برخی با استفاده از عناوین ثانویه ـ مانند ضرورت، نفی عسروحرج، نفی ضرر و جهٔز آن ـ یا اصول عملی ـ مانند احتیاط، استصحاب، تخییر و برائت ـ تلاش کرده‌اند تا قوانین اسلامی را تدوین و عرضه کنند. گروه دیگری با استفاده از فقه مقاصدی یا علل شریعت ـ شامل تقدم حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال ـ در این مسیر فعالیت‌هایی انجام داده‌اند. در برابر این رویکردها، برخی فقها، مانند آیت‌الله محمدباقر صدر، نظریه‌ای جامع در حوزهٔ اختیارات حکومت اسلامی در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری اقتصادی ارائه کرده‌اند. ایشان سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری اسلامی را، باتوجه‌به موضع شارع، از دو مسیر متفاوت امکان پذیر می‌داند: مسیر نخست، شامل مواردی است که حکم الزامی شرعی بیان شده اما فتاوای فقها متفاوت است. در این حالت، سیاست گذار و قانون گذار مجاز است با استفاده از ظرفیت های فقهی موجود، که عبارت است از مجموعهٔ فتاوای فقها از گذشته تا عصر حاضر، بدون عبور از احکام اولیهٔ الزامی شرعی، یک یا چند فتوا را به قانون تبدیل کند. مسیر دوم، برای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در منطقةالفراغ است، جایی که حکم الزامی شرعی وجود ندارد. در این شرایط، سیاست‌گذار و قانون‌گذار مجاز است براساس مصالح جامعه برای سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری اقدام کند. با بهره‌گیری از این دو مسیر، ابزار کافی برای وضع قوانین کارآمد و منطبق با نیازهای روز در اختیار سیاست گذار و قانون‌گذار قرار می‌گیرد. افزون‌بر این، با به‌کارگیری نظر امام خمینی (ره) دربارهٔ عنصر زمان و مکان، امکان گسترش اختیارات فراتر از منطقةالفراغ فراهم می‌شود، نکته‌ای که در این تحقیق بارها از آن استفاده شده است.

فهرست مهم‌ترین فعالیت نویسندگان در این کتاب عبارت‌اند از: تعیین قول مبتنی بر مداخلهٔ دولت و قول مبتنی بر آزادی اقتصادی؛ گردآوری پرکاربردترین قواعد و مسائل فقه تجارت و فقه اقتصادی؛ ارائهٔ مطالب براساس دسته‌بندی بنیاد هریتیج؛ ذکر نمونه‌هایی برای بیشترین آزادی اقتصادی؛ شرح اصطلاحات علمی و موضوع‌شناسی دقیق.

افزون‌بر موارد یادشده، نویسندگان کوشیده‌اند احکام مسائلی را که باتوجه‌به تغییرات

اجتماعی و پیشرفت‌های بشری نیازمند بازنگری یا تعیین تکلیف است، براساس ادلهٔ نقلی و عقلی معتبر اسلامی، مشخص کنند. همچنین، در برخی موارد، در ادامهٔ مباحث به افق‌های نوین آن مسئله نیز اشاره کرده‌اند.[۱]

سید مهدی نریمانی زمان‌آبادی
عضو هیئت علمی دپارتمان الهیات دانشگاه مفید
تقی ابراهیمی سالاری
عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

۱. برخی مباحث اشاره‌شده عبارت است از: تفکیک بین کالاها و خدمات کم‌بها و پربها و تأثیر آن در مباحث فقهی؛ سفاهت و عدم رشد، که ممکن است در موارد مختلف متفاوت باشد. برای نمونه، کسی که در معاملهٔ مسکن رشید است، ممکن است در بورس سفیه باشد؛ امکان‌سنجی تسری استصناع به کالاهای کشاورزی (محصولاتی که دارای استانداردهای خاص‌اند) و خدمات (رزرو هتل، پرواز و جز آن)؛ محدودیت در تملیک زمین، منابع طبیعی و سایر منابع تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر، از راه حیازت و تحجیر؛ امکان سنجی گسترش ادلهٔ وجوب پرداخت های مالی معادن به معادن جدید؛ تحلیل حقوقی برخی مباحث مانند ضمانت شخصیت حقوقی؛ لزوم ارزشمندی کالای ضمیمه‌شده در بیع به ضمیمه، برای جلوگیری از غرر.